



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سبحانك يا ذا الجلال والإكرام

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

عبدالله بن محمد
عبدالله بن محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرج البحرین

نویسنده:

غلامرضا غزالی اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مرج البحرين
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	مقدمه
۱۰	قصاید
۱۰	قصیده ۱
۱۴	قصیده ۲
۱۵	رباعیات حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
۱۵	رباعیات ۱
۳۱	رباعیات ۲
۴۳	رباعیات ۳
۵۶	رباعیات ۴
۶۵	رباعیات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۶۵	رباعیات ۱
۸۱	رباعیات ۲
۹۹	تک بیتهای مرثیه
۱۰۴	درباره مرکز

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷

عنوان و نام پدیدآور: مرج البحرين / غلامرضا غزالی اصفهانی

مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: اشعار

(۱۱۰ رباعی در مدح و منقبت امیرالمؤمنین (ع) بانضمام رباعیات در رابطه باحضرت زهرا(س))

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيدنا محمد و آله اجمعين واللعن على أعدائهم

قال الله الحكيم في القرآن العظيم: « مرج البحرين يلتقيان »

آنان که طریق حق می پویند و عرفان معبود می جویند و از قرب الهی سخن می گویند، باید در این اندیشه باشند که معرفت حق، جز از طریق معرفت به معصوم علیه السلام محقق نخواهد شد که در این میان، حضرت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام از جایگاه ویژه ای برخوردارند.

جایی که خداوند در قرآن کریم به مدح این دو بزرگوار پرداخته و با آیه ی شریفه «مرج البحرين يلتقيان» تلاقی دو دریای ولایت کلیه (حضرت علی علیه السلام) و عصمت کلیه (حضرت زهرا علیها السلام) را عنوان فرموده که اگر خواسته باشیم به اندازه فهم خود به این موضوع پی ببریم توجه به این کلام حقتعالی لازم است که می فرماید ای مردم علی علیه السلام دریاست، ای مردم فاطمه علیها السلام دریاست. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. از این روست که قدرت قلم و بیان و شعر و ... در ادامه مدح خداوند بکار افتاده و باید به اندازه ای عمیق و مایه دار باشد که خدای ناکرده در این مسیر ذره ای لغزش نداشته باشد.

شاعر باید همه جوانب را در شعرش لحاظ کند و از آفات آن خود را در امان سازد و شعر او تک بعدی نباشد باید دقت کرد که اشعار ماندگار است، تکرار و تقلید، کلی گویی، استفاده ی زیاد از بیان خبری و تقریری، بازیهای لفظی و افراط در موازین سخنوری، از مهمترین موانع تأثیرگذاری عاطفی در شعر هستند. یکی از مهمترین موفقیت‌های شعر در دهه های اخیر فائق آمدن برخی از شاعران بر این موانع است. شاعران امروز شیوه های مختلفی را برای انگیزش عاطفی در شعرهای خود تجربه می کنند. گاه بیان یک واقعت از ابعاد و زوایای گوناگون و استفاده از استعارات لطیف را راهی برای نفوذ در دلها قرار می دهند، شاعران متعهد و معتقد در طول تاریخ از طریق سرودن مدائح و مناقب به شناساندن شخصیت و فضایل اخلاقی سفیران هدایت اهتمام نموده اند و الحق با اشعار خوبی که سروده اند هر یک به فراخور بضاعت خویش، اظهار ارادت و محبت و ایمان به خوبی ها را به نمایش گذاشته اند و چراغ راهی در برابر علاقه مندان سعادت فراهم آورده اند. مجموعه حاضر که منتخبی است از رباعیات در مدح و منقبت و مرثیه حضرت امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام نیز نمونه ای از این مجموعه هاست که این اثر نفیس را شاعر و مداح ارجمند استاد حاج غلامرضا غزالی که عمری را مخلصانه و بی شائبه، در خدمت به آستان رفیع اهل البیت علیهم السلام به ارمغان گذاشته و از نوای دلنشین او عاشقان اهل البیت علیهم السلام بهره مند گشته اند، بنا به سفارش مجموعه فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان و بنا به نیاز مداحان و ذاکرین اهل بیت علیهم السلام اشعار ی را از منابع متعددی انتخاب کرده اند. تلاششان بر این بوده تا سروده هایی خوب و مؤثر را برگزینند و این اثر نفیس تحت عنوان «مرج البحرین» فراهم آمده است. امید آنکه مورد رضایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شود.

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، سید مجید نبوی ۱۴۲۹ هجری قمری

قصاید

قصیده ۱

شمس اصطهباناتی

فردا زمین غوغا شود تا آسمان هفتمین

زیرا که از اوج فلک آید ملک روی زمین

در دست هریک دسته گل؛ منشور سبز اندرجبین

آن دسته گلها چیده اند از باغ رب العالمین

در هر ورق بنوشته اند با خط قدرت اینچنین

بشری که آمد در وجود مولا امیر المؤمنین

میر عرب؛ ماه عجم؛ معجز نمای لوکشف

چون صبح فردا آفتاب از کوه بطحا سرزدی

روح الامین بهر خبر؛ الله اکبر بر زدی

وآنکه حصار کعبه را پیراهنی دیگر زدی

لوحی به شکل یا علی بر بام و بر سر در زدی

نقشی به شکل جای پا بر دوش پیغمبر زدی

بر کافران هیبت زدی لبخند بر خیر زدی

یعنی رسید آنکو کز او نسل عدو گردد تلف

با نور تقوا آنکه داشت پوشیده از تقوا جسد
دور از جناب عفتش دست بد و چشم حسد
آنسان که در تعریف او دست تعقل نارسد
دارد ز قرب و منزلت بیش از همه زنها رسد
چون آفتاب آن شیر زن افتاد در برج اسد
هم شیر حق را حامله ؛ هم نام او بنت اسد
در ولایت را نبود شایسته تر از این صدف
روزیکه با عجز و نیاز بر طوف مسجد زد قدم
دریافت خود در حضرتش از درد زائیدن الم
می جست از فرط حیا خلوت سرائی محترم
در بارگاه کبریا برداشت دستی لا جرم
چون لایق شانش نبود زایشگهی غیر از حرم
آمد ندای ادخلی او راز حی ذوالکرم
چون خاصه فرزند تست رکن و مقام و مزدلف
چون دید صاحب خانه را از میهمان اکراه نی
شد با اجازت در درون جائی که کس راراه نی
حرفی در آن خلوت سرا جز بایسم الله نی
جز طفلک تسبیح خوان هم صحبتش دلخواه نی
نازم بدان مام و پسر با آنهمه مجد و شرف

چون آرمید آن میهمان باب حرم مسدود شد
ازبس جهان شد بی صدا گوئی بشر مفقود شد
آثار هر نامحرمی هر جا که بود نابود شد
پس هرچه را مایل شدی از امر حق موجود شد
آرام شد اندام او تا ساعت موعود شد
ناگه چراغانی حرم ز انوار آن مولود شد
از شرم خورشید منکسف؛ وز بیم شد مه منخسف
چون دامن بنت اسد شد پایتخت کبریا
یعنی همایون مقدمی بالای آن بگرفت جا
علم خدا؛ دست خدا؛ نور خدا؛ شیر خدا
محبوب کل ما سوا سالار خیل اولیاء
افتاد از ارزش قدر استاد از گردش قضا
تغییر کلی آمدی در جسم و روح ماسوا
اوضاع شد وضعی دگر از ما وقع تا ما وقف
این خانه را باید خدا در اصل معماری کند
آدم بنایش برنهد جبریل هم یاری کند
آید خلیل الله در آن یک چند حجاری کند
آنها اولولعزمی دگر منقوش و گچکاری کند
هر یک ز آباءرسول پس خانه سالاری کند
اینسان خدا از خانه اش چندی پرستاری کند

تا ساعتی از دوستی یک میهمان داری کند
زان میهمان داری مگر امر قوی جاری کند
پس نقشه های ما سلف بد بهر این زیبا خلف

قصیده ۲

هر کس ترا شناخت غم از جان و سر نداشت
سر داد و سر زپای تو یک لحظه بر نداشت
بالله تجلیات جمال تو گر نبود

از جلوه و جلال خدا کس خبر نداشت

ای ماه من زمانه پس از ختم انبیاء

بهتر ز ذات پاک تو دیگر پسر نداشت

در کارگاه خلقت اگر گوهرت نبود

نخل تناور بشریت ثمر نداشت

تیغ تو گر نبود شجاعت یتیم بود

داد تو گر نبود عدالت پدر نداشت

تو شاهکار دستگه آفرینشی

عنوان نامه اشرف و فضل و بینشی

موسی که داشت آرزوی دیدن خدا

گو بنگرد ترا که نئی از خدا جدا

بهجتی شفق

رباعيات حضرت امير المؤمنين علي عليه السلام

رباعيات ١

ص: ٩

روزیکه علی به کعبه آمد به وجود

مخصوص علی خدا در از کعبه گشود

در بست بداد خانه خود به علی

یعنی که علی است خانه زاد معبود

صغیر اصفهانی

**

در مخزن لا یموت در دانه علیست

در کون و مکان امیر فرزانه علیست

در کعبه ظهور کرد تا بر همه کس

معلوم شود که صاحب خانه علیست

صغیر اصفهانی

**

دانی که علی مظهر خلاق مجید

از بهر چه در خانه حق گشته پدید

زیرا که علی منادی توحید است

باید که عیان شود زبیت التوحید

خوشدل تهرانی

**

چشمان علی دوچشمه خورشید است

لبهای علی لبالب از توحید است

سوگند به کعبه خانه میلادش

اسلام محمد از علی جاوید است

* *

تا پای ؛علی به بیت توحید گذاشت

اسلام به دهر نقش جاوید گذاشت

راز صمدیت و عبودیت را

آروز خدا به معرض دید گذاشت

مؤید

* *

ابر کرم خدا بیارد امروز

نومید کسی را نگذارند امروز

شکرانه سالروز میلاد علی

زهرها به بقیع جشن دارد امروز

* *

میلادعلی رسید و با نام علی

باید که شوی مجری احکام علی

برنامه جمهوری اسلامی ما

درسی بود از مکتب اسلام علی

**

ص: ١٢

در محفل ما مهر و وفا موج زند

یاد نجف و کربلا موج زند

این بزم چو یاد آور میلاد علی

در هرطرفی نور خدا موج زند

**

برخیز که شاه اولیاء می آید

سلطان سریر لافتنی می آید

جبریل دهد مژده که بیشه غیب

با نشو و نما شیر خدا می آید

**

بگو تراب ببالد که بو تراب آمد

بگو به ماه نیاید که آفتاب آمد

بگو به بتگر بی دین که بت دگر متراش

کسی که بتکده ها را کند خراب آمد

**

مژده بازم خبر از باغ جنان آمده است

با خبر باش که که مولا به جهان آمده است

گل بریزید به پایش همه دامن دامن

عطر پیاشید که آن فخر جهان آمده است

**

بر عشق تو ما که سر نهادیم علی

پرورده مکتب جها دیم علی

میلااد ترا بر غم و هائیت

ما جشن گرفته ایم شادیم علی

مؤید

* *

در بیت خدای لم یلد لم یولد

از روی علی دمید انوار صمد

میلااد علی شد که محمد فرمود

باشد مثلش چو قل هو الله احد

مؤید

میلااد علی معجزه ای زیبا کرد

نابودی کفر و شرک را امضاء کرد

او چشم خدا بود و دو چشم خود را

بر صورت زیبای محمد وا کرد

* *

آسان که به جز خدای معبودی نیست

مانند علی به کعبه مولودی نیست

بر خویش قسم خورده و فرموده خدا

در طاعت بی مهر علی سودی نیست

**

ص: ١٤

می‌لاد علی ولی سرمد باشد

شاهی که ز سوی حق مؤید باشد

تنها نه همین حجت دادار علیست

داماد پسر عم محمد باشد

* *

آدم نه به گندم جنان راغب بود

شوق دگرش بجان و دل غالب بود

می خواست بهانه ای که آید به نجف

مقصود علی بن ابیطالب بود

* *

با دست ولا باب جنان کوبیدم

از حلقه در نام علی بشنیدم

یعنی که خدای دو جهان فرماید

در بست بهشت را به علی بخشیدم

* *

دنیا به مثل بهر بشر مزرع کشت است

بی حب علی کشتن این مزرعه زشت است

بنوشته چنین بر در فردوس خداوند

هر کس که علی دوست بود اهل بهشت است

ژولیده نیشابوری

**

ص: ١٥

عمریست که دم به دم علی می گویم

در حال نشاط و غم علی میگویم

تا حال علی گفتم و انشاءالله

در باقی عمر هم علی می گویم

صغیر اصفهانی

**

ای کرده خدا تو را ولی ادر کنی

ای کرده نبی تو را وصی ادر کنی

دستم تهی و لطف تو بی پایان است

یا حضرت مرتضی علی ادر کنی

**

از عین علی عیون ما بینا شد

از لام علی لسان ما گویا شد

در یای علی نور خدا می بینم

زان نور محمد و علی پیدا شد

**

از خلقت ما خلق که امر ازلیست

مقصود خدا چهارده نور جلیست

وان چار محمد دو حسن یک موسی

زهره و حسین و جعفر و چار علیست

**

ص: ١٦

به ذره گر نظر لطف بو تراب کند
به آسمان رود و کار آفتاب کند
شعاع ذره ز خاک در ولای علیست
و گر نه ذره کجا کار آفتاب کند

* *

یارب از دل‌های ما محبت رامگیر
این تجمع این تو سل این ارادت رامگیر
هستی ما بستگی دارد به مهر اهلیت
هر چه می خواهی بگیر اما ولایت را مگیر
فریور

* *

ای اهدنا الصراط بحب تو مستقیم
بغض تو دوزخ است و بود حب تو نعیم
گر مجتمع بدند خلاق به حب تو
هرگز نمی نمود خدا خلقت جهیم

* *

از روز ازل که خاک ما گل کردند
بر صورت حق شکل و شمایل کردند
از بهر ولای مرتضی حسنی را
بنیاد نهاده نام او دل کردند

**

ص: ١٧

در مکتب آفرینش پیر و استاد علیست

عالم همه بنده اندو آزاد علیست

آمد نمک و علی موافق بعدد

یعنی نمک سفره ایجاد علیست

* *

اول ازجام و لا ساغر بزَن

پس در کاشانه حیدر بزَن

من نمی گویم بیا این در بزَن

چون زدی این در؛ در دیگر مزَن

چون نامه اعمال مرا پیچیدند

بردند و به میزان عمل سنجیدند

بیش از همه کس گناه ما بود ولی

ما را به محبت علی بخشیدند

* *

گر برتر از آسمان بود منزل تو

وز کوثر اگر سرشته باشد گل تو

چون مهر علی نباشد اندر دل تو

مسکین تو وسعی های بی حاصل تو

رباعیات ۲

ای کردگار گفته ثنای تو یا علی
وی روزگار خوان عطای تو یا علی
بنهاده روی عجز و ارادت نه آسمان
بر خاک آستان گدای تو یا علی

* *

به روز خم غدیر از مقام لم یزلی
به کائنات ندا شد ندا به صوت جلی
که به احمد مرسل به تر و بهتر
امام و سرور و مولا علیست علی

صاعد

* *

برگشت اگر به حکم حیدر خورشید
از قدرت آن جناب مشمار بعید
انگشتر افلاک در انگشش بود
هرسو که اراده داشت میگردانید

* *

اوصاف علی به گفتگو ممکن نیست
گنجایش بحر در سبو ممکن نیست
من ذات علی به واجبی نشناسم

اما دانم که مثل او ممکن نیست

میرزا ادھم کاشی

**

ص: ۱۹

آن را که قدم رسد به در یای نجف

ده جای به افسرش چو در های نجف

مولای موالیان بود هر که شود

شایسته مولائی مولای نجف

محمد رضا خوانساری

**

بر در گهت ای سرور معبود صفات

اسکندر و من صرف نمودیم اوقات

بر همت من کجا رسد همت او

من خاک در تو جستم و آب حیات

ناصر الدین شاه

**

در خاک نجف «ندیم» آسوده بخواب

اندیشه مکن ز پرسش روز حساب

جائی که بدل به سر که گردد می ناب

بی شبهه گنه شود مبدل به ثواب

میرزا زکی ندیم

ص:

* *

تا حب علی مرا بود در رگ و پوست
 رنجم ندهد سرزنش دشمن و دوست
 جز نام علی لب به سخن وانکنم
 از کوزه همان بون تراود که در اوست
 مردانی

* *

دریای سپهر کائنات است کفش
 نبود چو علی گوهری اندر صدفش
 خورشید گهی بدر شود گاه هلال
 گر عکس دهد به ماه در نجفش

* *

پیغمبر ما گوهر این هفت صدف
 ختم همه انبیاست از روی شرف
 او خاتم انبیاء و باشد در کار
 آن خاتم را نگینی از در نجف

* *

آدم نشدی خیل ملک را مسجود
 در صلب وی ار ، آن گهر پاک نبود

از صبح ازل تا به شبانگاه ابد

مانند علی کسی نیامد به وجود

شیرازی

* *

ص: ۲۱

چون ذات علی ولی حق مظهر هوست
گر نام ورا، خدا علی خواند نکوست
در خانه حق علی به دنیا آمد
از کوزه همان برون تراود که در اوست
ریاضی یزدی

**

گشتیم به جان بنده اولاد علی
هستیم همیشه شاد با یاد علی
چون سر ولایت از علی ظاهر شد
کردیم همیشه ورد خود ناد علی
گورکانی

**

یا ناد علی سینجلی دستم گیر
یا واقف سر ازلی دستم گیر
از پای فتاده ام ای دست خدا
یا حضرت مرتضی علی دستم گیر
میرزا عبدالوهاب

**

روزیکه خدا بنای افلاک بهشت
بر هفت در بهشت و دوزخ بنوشت
بر شیعه مرتضی حرام است جهیم
بر دشمن مرتضی حرام است بهشت

* *

حجاج به گرد کعبه لم یزلی
خواندند خدای را به آواز جلی
بسیار در خانه حق کوبیدند
تا آنکه سر از خانه در آورد علی

* *

این نکته کلام احمد مختار است
روی سخنش به حیدر کرار است
کز شیعه تو کسی جهنم نرود
وز امت من جهنمی بسیار است

* *

ای آنکه براهین کست باور نیست
کس غیر علی وصی پیغمبر نیست
برگشت به حکمش آفتاب این چه کنی
برهانی از آفتاب روشن تر نیست

رضوان

* *

ص: ۲۳

شاهها تو مع اللهی واللہ معک

حب تو به ایمان و به کفر است محک

چون نام تو با نمک به تعداد یکی است

شناخت ترا هر آنکه شناخت نمک

* *

ننوشت برای ورد روز و شب من

جز نام علی معلم مکتب من

گر غیر علی بود کسی مطلب من

ای وای من و کیش من و مذهب من

* *

هر چند به زیر طاق این هفت صدف

غواص فضا گرفته گوهر بر کف

از حق مگذر که نیست دیگر ممکن

چون گوهر نور بخش دریای نجف

* *

در مذهب ما کلام حق ناد علیست

طاعت که قبول حق شود یاد علیست

از جمله آفرینش کون و مکان

مقصود خدا علی و اولاد علیست

حافظ

**

ص: ٢٤

آئینه مهر روشن از یاد علیست

او را د ملک بر آسمان ناد علیست

گر سلطنت دو کون را می طلبی

در بندگی علی و اولاد علیست

ذوقی

**

روزیکه علی به صلب آدم ضم شد

پشت فلک از بهر سجودش خم شد

آب و گل آدم آنقدر قدر نداشت

از مرتبه پسر؛ پدر آدم شد

**

ای مصحف آیات الهی رویت

وی سلسله اهل ولایت مویت

سرچشمه زندگی لب دلجویت

محراب نماز عارفان ابرویت

**

شاهی که به زیر چتر اعلاست علیست

ماهی که به زیر ابر پیداست علیست

در هر دریا هزار دَر بیشتر است

دَری که در آن هزار دریاست علیست

**

ص: ٢٥

فرمود علی به حارث همدانی

این نکته زمن باد بتو ارزانی

از مؤمن و کافر همه بیند مرا

چون مرگ بگیرد بدن انسانی

* *

ایکه گفتی فمن یمت یرنی

جان فدای کلام نیکویت

کاش روزی هزار مرتبه من

مردمی تا بدیدمی رویت

وفائی

رباعیات ۲

در ملک وجود رهبر داد علیست

آنکس که براه داد؛ جان داد علیست

آزاده بجز پیروی او نکند

چون راهبر مردم آزاد علیست

* *

چون حلقه باب خلد آواز کند

از قول نبی یا علی آغاز کند

رضوان شنود زحلقه چون نام علی

در بر رخ شیعه علی باز کند

* *

ص: ۲۶

شاهنشہ ملک لا مکانست علی

سر حلقہ رندان جهان است علی

آرام دل راحت جان می طلبی

آرام دل و راحت جان است علی

* *

مرآت کمال و مظهر جود علیست

افضل ز همه ممکن و موجود علیست

از قول محمد است این نکته کہ گفت

شایسته ترین بنده معبود علیست

محمد علی مردانی

* *

آصف نشد آگاه کس از راز علی

ز انجام ندانست کس آغاز علی

زان پرده کہ جز خدا نمی بود در او

پیغمبر ما شنید آواز علی

میرزا آصف قهقری

* *

پیر خرد آمدم شبی اندر خواب
پرسیدم از او پرسش روز حساب
گفتا که بگو مهر که داری در دل؟
گفتم که علی گفت که آسوده بخواب
حسین جهرمی

* *

با ذات خدا ذات علی محسوس است
در مدح علی وجهه یا قدوس است
در بین بشر ابوعلی سینا گفت
معقول علی نوع بشر محسوس است
ابوالفرج اصفهانی

* *

پیدا همه از علیست آثار خدا
پنهان همه در علیست اسرار خدا
از کار علی که آورد سر بیرون
ناورد برون کسی سر از کار علی
منتخب یزدی

* *

بر باب جنان خدای حی ازلی

بنوشت به کلک صنع با خط جلی

در خلد برین راه نیابد هرگز

آن کس که تهی است دلش از مهر علی

* *

دلها ز ازل بسته گیسوی علیست

روی دل ذرات جهان سوی علیست

جز روی علی نظر بر روئی نکنم

چون آئینه خدا نما روی علیست

* *

دانی ز چه این چرخ کهن می گردد

نه بهر تو و نه بهر من می گردد

از گردش آن چون علی آمد به وجود

می بالد و گرد خویشتن می گردد

* *

هر دل که دم از ولای حیدر نزند

ساغر به لب چشمه کوثر نزند

زان دست ولایتش در از خیبر کند

تا غیر درش کس در دیگر نزند

* *

عالم همگی مظهر انوار علیست
جبریل امین محرم اسرار علیست
هر کس به جهان کار خدائی کرده
آثار خدائی همگی کار علیست
خم پشت فلک ز بار میثاق علیست
تر روی زمین زا بر انفاق علیست
خواهی که مظفر شوی اندر دو جهان
مشتاق کسی باش که مشتاق علیست
میرزا عبدالکریم قمی (کوثر)

* *

در خم غدیر باده از جام الست
دادند محمد و علی دست به دست
چون دید عدو که دیگری ساقی شد
مستی بنمود و شیشه عهد شکست

* *

در مدح علی عقل فرو می ماند
خاک قدمش به آبرو می ماند
هر کس که به حج نرفت از راه نجف
حجش به نماز بی وضو می ماند

* *

من دیده به احسان علی دادم و بس

سر در خط فرمان علی دارم و بس

هرکس زده دست خود به دامان کسی

من گوش به فرمان علی دادم و بس

* *

روزی که که عیار خلق می سنجیدند

اندر گل ما حب علی را دیدند

بس جامه معقول به ما پوشیدند

ما را به محبت علی بخشیدند

* *

فرزند بزرگ روزگار است علی

با مردم رنج دیده یار است علی

از دامن مرتضی علی دست مدار

زیرا که ولی کردگار است علی

* *

ای خواننده خدا ترا ولی ادرکنی

ای خواننده نبی ترا وصی ادرکنی

دستم تهی و لطف تو بی پایان است

یا حضرت مرتضی علی ادرکنی

* *

از امر خدا و احمد نیک سرشت

بر سر در باغ خلد جبریل نوشت

بر خصم علی ورود اکیدا ممنوع

چون ویژه شیعه علی هست بهشت

* *

عمری به جهان علی فداکاری کرد

شب تا به سحر ز خوف زاری کرد

در محضر حق بکوری چشم عدو

شش دانگ بهشت را خریداری کرد

* *

قرآن بجز از مدح علی آیه ندارد

ایمان بجز از مهر علی مایه ندارد

گفتم بروم سایه لطفش بنشینم

دیدم که علی نور بود سایه ندارد

* *

تا پای علی به بیت توحید نهاد

اسلام به دهر نقش جاوید نهاد

راز صمدیت و عبودیت را

آن روز خدا بمعرض دید نهاد

* *

بر احمد و حیدر فکن ای دانا مهر
کس نیست جز این دو کار فرمای سپهر
زانگشت یکی دو نیمه شد در شب ماه
وز دست یکی بروز باز آمد مهر
خوشدل تهرانی

**

هر کس زمجان شهنشاه ولی است
ز اصحاب یمین بحکم برهان جلیست
باشد علی و یمین مطابق به عدد
اصحاب یمین محقق اصحاب علیست
صغیر اصفهانی

**

در کعبه و در کنشت موجود علیست
عالم همه طالبند و مقصود علیست
نیک ار نگری حقیقت اشیاء را
ز آئینه کائنات مشهور علیست
صغیر اصفهانی

نه چرخ که بر فراز هم نه طبق است
از دفتر مدح مرتضی یک ورق است
دیدار حق ار طلب نمائی حق را
در شخص علی بین که مرآت حق است
صغیر اصفهانی

**

از ذات خداوند کسی آگه نیست
بر کنه کمال او خرد را ره نیست
فرمود علی ز آنچه آری به تمیز
مخلوق خیال تست آن الله نیست
صغیر اصفهانی

رباعیات ۴

اسلام چو از نصب علی کامل شد
اکملت بمصطفی نازل شد
واضح ز رضیت گشت این کز اسلام
در نصب علی رضای حق حاصل بود

**

سلطان سریر لامکان است علی

مولا و امیر انس و جان است علی

آگه ز علوم کن فکان شیر خدا

ممدوح همه خلق جهان است علی

صغیر اصفهانی

**

* ای سر خفی نور جلی ادر کنی

ای دست خدای ازلی ادر کنی

تو دست خدائی و من افتاده ز پا

یا حضرت مرتضی علی ادر کنی

صغیر اصفهانی

**

ای شیر خدا شاه ولایت مددی

ای بحر سخا کان عنایت مددی

در وادی بی کفایتی حیرانم

ای صاحب رتبه کفایت مددی

**

خورشید چرا غکی زانوار علیست
مه نقطه کوچکی زیر پرگار علیست
هر کس که بدل مهر علی را دار
همسایه دیوار به دیوار علیست
صغیر اصفهانی

**

مردی ز کننده در خیبر پرس
اسرار کرم ز خواجه قنبر پرس
گر تشنه فیض حق به صدقی حافظ
سر چشمه آن ز ساقی کوثر پرس
حافظ

**

چون نام علی نام خدای احد است
بسم الله ویا علی مدد هم عدد است
و آنگاه بحق چو با علی گشت یکی
هر جا که علی مدد بود حق مدد است
جلال الدین همائی (سنا)

**

بی ذکر علی صومعه ودیری نیست

کس راپی درک ذات اوسیری نیست

گویند که از غیر علی چشم بیوش

هر جا نگرم علی بود غیری نیست

جیحون

**

بر پا ز جهاز اشتران منبر شد

برعرصه آن نبی والافر شد

بخ بخ ز اوج افلاک گذشت

روزیکه علی وصی پیغمبر شد

قاسم نوروزی (ذره)

**

شاهی که کننده در خیر بود

در رزم حریف یک جهان لشکر بود

سرسلله نژاد آدم گردید

فخر همه دودمان پیغمبر بود

**

علی علم ونبی علم یقین است

علی انگشتر و خاتم نگین است

هر آنکس در دلش مهر علی نیست

حسابش با کرام الکاتبین است

**

ص: ۳۷

اوصاف علی به هر زمان باید گفت

این ذکر به پیدا و نهان باید گفت

در جشن ولیعهدی مسعود علی

تبریک به صاحب الزمان باید گفت

* *

چون عید غدیر اشرف اعیاد است

ذکر صلوات بهترین اوراد است

شادند اگر جمله محبان چه عجب

زیرا که دل آل محمد شاد است

مؤید

* *

شخصیت ممتاز جهان است علی

حاکم به زمین و آسمان است علی

در روز غدیر خم پیمبر فرمود

مولای چو من به انس و جان است علی

* *

در حجه الوداع بفرمان حی بی نیاز

شد منبر از حجاز و نبی گشت بر قرار

دست علی گرفت و به گفتار که این بود

از بعد من خلق جهان رکن هر نماز

* *

ص: ٢٨

آن شاه که او قسیم نار است و جنان
در ملک جهان صاحب سیف است و سنان
ملک دو جهان مسخر اوست بلی
این را به سنان گرفت و آنرا به سه نان

* *

در ممکن غیب ذات او مخفی بود
او بود و به غیر ذات او هیچ نبود
چون خواست به خویش خود نمائی بکند
آورد محمد و علی را به وجود

* *

حلقه سست زمین و اونگین است هنوز
صد چشم زمان سوی زمین است هنوز
زان فاجعه گرچه چارده قرن گذشت
والله ؛ علی خانه نشین است هنوز

* *

موجود بجز ذات علی کیست بگو

بی مهر علی کسی چسان زیست بگو

گوئی مه و خورشید به جنت نبود

پس نور محمد و علی کیست بگو

* *

موئی که سفید بود کردند خضاب!

یا از گل عشق حق گرفتند گلاب

چشمی که تمام عمر شب خواب نداشت

از بهر همیشه رفت امشب در خواب

ص: ۴۰

رباعيات حضرت فاطمه زهرا عليها السلام

رباعيات ۱

ص: ۴۱

زهره که وجودش سبب خلقت ماست

صد شکر که نور مهر او قسمت ماست

فرمود امام عسکری در وصفش

ما حجت خلق و فاطمه حجت ماست

* *

چون فاطمه به حکم خلاق بشر

تزوید نمود علی را پیغمبر

میگفت بزهره مشتری در یک برج

گشتند قرین یکدگر ماه و قمر

* *

سر ابد و حیات سرمد زهراست

آئینه حق نمای احمد زهراست

چون شد سخن از ام ابیها بمیان

زهراست محمد و محمد و زهراست

* *

در عرش خدا عقد زهرا چو به بست

بر بام فلک همای عزت بنشست

مسرور شد نه آدم و جن و ملک

دادند چو زهرا و علی به هم دست

* *

محبوبه حق کسی بجز فاطمه نیست

در هر دو جهان کسی چو او عالمه نیست

هر کس که به جان و دل ولایش دارد

در روز جزا بر دل او واهمه نیست

* *

ای بر همه انبیا تو مادر زهرا

یک نکته ز وصف توست کوثر زهرا

کن دیده ما به روی مهدی روشن

ای روشنی چشم پیمبر زهرا

* *

عالمی را کردی از نورت مسخر فاطمه

بحر علم حق ندارد چون تو گوهر فاطمه

جز تو نبود هیچ کس در پیشگاه ذوالمنن

ماسوی را دادرس در روز محشر فاطمه

* *

بر عالمیان رحمت رحمان زهراست

در هر دو جهان سرور نسوان زهراست

نوری که دهد شاخه طوبا از اوست

کوثر که خدا گفته به قرآن زهراست

* *

زهره که شرافت از پیمبر دارد

آراسته همسری چو حیدر دارد

این باغ اگرچه گل فراوان دارد

اما گل یاس عطر دیگر دارد

* *

نوری زخدیجه چون قمر پیدا شد

زهره چو طلّیعه سحر پیدا شد

در بیستم ماه جمادی الثانی

زآینده یازده گوهر پیدا شد

* *

بیستم ماه جمادی جلوه گاه کوثر است

روز میلاد سعید دختر پیغمبر است

دیگران را روز مادر بی سند باشد ولی

با سند سادات را آن روز، روز مادر است

* *

در رتبه زانبیاء مقدم زهراست

همتای علی مرد دو عالم زهراست

برگویی به آنکه اسم اعظم جوید

شاید که تمام اسم اعظم زهراست

* *

بر چرخ عفاف نور سرمد زهراست

محبوبه حق دختر احمد زهراست

خاتون قیامت است و بانوی بهشت

سر سلسله نسل محمد زهراست

* *

عالم صدف است و فاطمه گوهر اوست

گیتی عرض است این گوهر جوهر اوست

در قدر و شرافتش همین بس که زخلق

احمد پدر است مرتضی همسر اوست

* *

یا فاطمه روز حشر ستاری کن

دل سوختگان را زکرم یاری کن

ما با همه گفتیم که با زهرائیم

لیکن تو بیا و آبروداری کن

* *

یارب اگر من گناه بی حد دارم

افعال قبیح و کرده بد دارم

خشنود از این که در جزا شافعه ای

چون فاطمه دخت پیمبر دارم

* *

کتاب فضل فاطمه هرگز تمام نتوان کرد

اگر مداد شود ابهر و قلم اشجار

کسی که دم زند از فضل بی نهایت او

چو مرغکی است که از بحر تر کند منقار

* *

دیدم که به عرش بزم عیشی برپاست

برپا کن این بزم شعف ذات خداست

گفتم به خرد چه اتفاق افتاده

گفتا که عروسی علی و زهراست

* *

زهرا که عنایتش به دنیا برسد

باشد که به فریاد دل ما برسد

یارب سببی ساز که در روز جزا

پرونده ما به دست زهرا برسد

* *

یافاطمه جان دست من و دامانت

ای چشم امید همه بر احسانت

بادا بفدایت پدر و مادر من

ای گفته محمد: پدرت قربانت

* *

من آن یاس سفید گلبن بی خار دارم
که فرموده نبی آزار زهرا هست آزارم
اگر چه بیمارم ولی بی پرده می گویم
دل من بیشتر سوزد بر احوال پرستارم

* *

افسوس که انوار جلی را کشتند
ناموس خدای ازلی را کشتند
با میخ در خانه نوشته است چنین
با کشتن فاطمه، علی را کشتند

* *

طایر پر بسته پریدنی نیست
غنچه نورسته که چیدنی نیست
بآن دو گلچین ستمگر بگو
یاس کتک خورده که دیدنی نیست

* *

نخلی که شکسته ثمرش را نزنید
مرغی که زمین خورده پرش را نزنید
دیدید اگر که دست مردی بسته است
در پیش رخش همسر او را نزنید

* *

بر سوخته باغ ما دگر سر نزنید

این خانه آتش زده را در نزنید

از ما که گذشت مادری را دیگر

در خانه به پیش چشم دختر نزنید

* *

مادر بیا که شامم بی تو سحر ندارد

جز گریه از فراق کاری پدر ندارد

باخون سینه تو بنوشته روی دیوار

حاجت به در زدن نیست این خانه در ندارد

* *

چه جرات داشت آتش باغ مولا را بسوزاند

اگر آهی کشد حیدر ثریا را بسوزاند

خدا را مصلحت این بود در راه علی، زهرا

بماند پشت در داغش دل ما را بسوزاند

* *

من آن گلم که دیده ز گلزار بسته ام

از بسکه دیده ام ستم از خار خسته ام

بنشسته گر بخوانم از این پس نماز خویش

یا رب مرا ببخش که پهلو شکسته ام

* *

دگر پروانه بال وپر ندارد

نه بال وپر که خاکستر ندارد

مفسر ها شما با خون نویسد

که قرآن علی کوثر ندارد

رباعیات ۲

* *

همه عهد خدا بشکسته بودند

علیه ما به هم پیوسته بودند

از آن رو پشت در افتادم از پا

که دست شوهرم را بسته بودند

* *

نه تنها داغ پیغمبر مرا کشت

نه سیلی نه فشار در مرا کشت

به خون محسن ششماهه سوگند

غم مظلومی حیدر مرا کشت

* *

یا فاطمه ای یا ر کفن پوش علی

پروانه وحی خاموش علی

لرزید زمین به خویش چون دید فلک

تابوت تورا نهاد بر دوش علی

**

ص: ٥٠

آن فرقه ایکه تیشه به نخل ولا زدند

آتش به درب خانه شیر خدا زدند

با ثامن الائمه جوادالائمه گفت

با تازیانه مادر ما را چرا زدند

* *

آن فرقه ایکه تیشه به نخل فدک زدند

بر زخم قلب ختم رسولان نمک زدند

مهدی بیا ز قاتل مادر سؤال کن

زهر اچه کرده بود که او را کتک زدند

* *

یک باغ گل آتش زدن ندارد

لاله و غنچه سوختن ندارد

طاقت سیلی یاسمن ندارد

یک زن تنها که زدن ندارد

* *

آنروز که صبر پا فشاری می کرد

در خانه وحی لاله کاری می کرد

می خورد کتک فاطمه وز مادر خویش

یک دختر چهار ساله یاری می کرد

* *

بساط عشق من بر چید گلچین

به زخم من نمک پاشید گلچین

کنار پیکر بی جان یاسم

به اشک حسرتم خندید گلچین

* *

یک عمر به سینه داغ غم پروردی

آخر ز غمت خون به دل ما کردی

در اوج بهار پرپرت را دیدم

گل بودی و داغ غم نمی آوردی

* *

رفتی و زمانه بی تو تنها مانده است

تنها و به کار خویشتن وا مانده است

در شام مدینه ، از فراق زهرا

آوای غریب وا غریبا ! مانده است

* *

تو کوثری و چشم تو زمزم زهرا

طوبائی و قامتت ز غم خم زهرا

با یک سر موی محسنت همسو نیست

گر کشته شوند خلق عالم زهراست

* *

چه می شد گر مرا با خود به آن کوچه نمی بردی

چه می شد من نمی دیدم توهم سیلی نمی خوردی

اگر آنروز همراهم تو را با خود نمی بردم

مرا دیگر نمی دیدی میان کوچه می مردم

**

روح گل یاس رو بر افلاک گذاشت

پروانه و شمع خود چه غمناک گذاشت

در ليله تدفین ، شه دین جانش را

همراه تن فاطمه در خاک گذاشت

**

الا ای شکوفه من چه زود پژمردی

ز باغ خانه ام آخر بهار را بردی

تمام عمر بسوزم به یاد آن روزی

که پیش چشم ترم تازیانه می خوردی

**

چه شور و چه نوا دارد مدینه

به لب بس نغمه ها دارد مدینه

به یاد غربت زهرا و حیدر

دل درد آشنا دارد مدینه

**

صفای خانه حیدر کجائی

گل من ، یار من ، کوثر کجائی

شده ذکر یتیمان تو زهرا

بیا مادر بیا مادر کجائی

* *

نوای ناله نیلوفر آید

عدو با نعره هایی یکسر آید

میان آن همه غوغای دشمن

صدای محسن از پشت در آید

* *

به پیشت تا سحر می مانم ای یار

سحرها ر به تو مهمانم ای یار

به من گفתי بخوان قرآن برایم

برایت هل اتی می خوانم ای یار

* *

مغیره بعد کشتنت به من سلام می کند

قنقد و خنده اش مرا ز هر بکام می کند

فاطمه جان بین حسین نهاده سر به پای تو

حسن نماید آرزو که جان دهد به جای تو

* *

با چشم خود دیدم مظلومی پدر را

از ناله ای که مادر در آستانه میزد

مردم به خواب بودند مادر زهوش می رفت

بابا به صورتش آب زاشک شبانه میزد

* *

ایکه می خواهی بدانی قبر زهرا کجاست

رمز پیدا کردن آن خاک گرم کربلاست

مشتی از آن خاک بر دارو بیفکن دربیعیع

هر کجا بنشست قبر همسر شیر خداست

* *

ای خاک ره تو تاج سرها زهرا

وی قبر تو مخفی ز نظر ها زهرا

تاباب شفاعت تو بازاست چه غم

گر بسته شود تمام درها زهرا

* *

یادم ز غم فاطمه چون می آید

از دیده سرشگ لاله گون می آید

چون تربت پاک اطهرش بشکافند

از سینه او هنوز خون می آید

* *

مسمار در خانه مگر تشنه خون بود

کز سینه زهرای جوان رفع عطش کرد

بین در و دیوار نگویم که چها شد

آنقدر بگویم به خدا فاطمه غش کرد

* *

فلک دیدی چه خاکی بر سرم کرد

به طفلی رخت نیلی در برم کرد

الهی بشکنند دست مغیره

میان کوچه بی مادرم کرد

* *

از خانه باب مارا بردند سوی مسجد

آنسان که تیر غم راغم بر نشانه میزد

مادر چو دید بابا بگرفت دامنش را

او می کشید و قنقد با تازیانه میزد

* *

من علیم که دلم واهمه از غم نکند

تا که زهراست کسی پشت مرا خم نکند

کم بود عمر دو صد نوح مرا گرچه اجل

سایه فاطمه را از سر من کم نکند

* *

آنروز نخل ماتم از دل جوانه میزد

از درب خانه ما آتش زبانه میزد

آنروز مادر ما در آستان در بود

کان بی حیا لگد را بر درب خانه میزد

* *

غم آمد شادیم از یاد رفته

توان از جسم عدل و داد رفته

دو دست خود علی برهم زد و گفت

تمام هستیم بر باد رفته

* *

آنچنان ضرب لگد از نفس انداخت مرا

که هم آغوش غم داغ پسر ساخت مرا

زن همسایه دیوار به دیوار امروز

بعیادت بر من آمد و شناخت مرا

* *

من علیم که خدا قبله نما ساخت مرا

جز خدا و نبی و فاطمه شناخت مرا

من که یکباره در از قلعه خیبر کندم

داغ زهرای جوان از نفس انداخت مرا

* *

سوزنده تر از داغ تو داغی نبود

پژمرده تر از تو گل باغی نبود

روشنگر دلھائی و اما افسوس

بر گمشده قبر تو چراغی نبود

* *

الا ای مادر پھلو شکسته

که دشمن رشته عمرت گسسته

ز جا برخیز و بین گرد یتیمی

به رخسار عزیزانت نشسته

* *

الا ای چاه یارم را گرفتند

گلم، عشقم، بهارم را گرفتند

میان کوچه ها با ضرب سیلی

همه دار و ندارم را گرفتند

* *

دعائی زیر لب دارم شبانه

تو آمین گوی ای در یگانه

الهی هیچ مظلومی نبیند

عزیزش را به زیر تازیانه

* *

من ایستاده بودم دیدم که مادرم را

قاتل گهی به کوچه گه بین خانه میزد

گاهی به پشت و پهلو، گاهی بدست و بازو

گاهی بچشم و صورت ، گاهی به شانه میزد

* *

تک بیتی های مرثیه

من نمی گویم چرا پهلوی من بشکسته اید

لیک می گویم چرا دست علی را بسته اید

* *

بابا مرو ز خانه برون نزد ما بمان

تا میروی تو مادر ما گریه می کند

* *

زندگی بی گریه بر زهرا ز مردن بدتر است

گر نمی خواهم بگریم گر بمیرم بهتر است

* *

زندگی بی گریه بر زهرا ز مردن بدتر است

گر نمی خواهم بگریم گر بمیرم بهتر است

* *

تو که در روز جان دادی چرا شب دفن شد جسمت

نمی دانم چه سزی بود در این کار مادر جان

**

ص: ٥٩

دل من بر علی می سوخت چون قنقد مرا می زد

نگاه غربت او بیشتر می داد آزارم

* *

شبی در خواب بودی آمدم بازوی تو دیدم

مبادا اینکه بیدارت کنم آهسته بوسیدم

* *

چنان از ضرب سیلی رفتم از هوش

که راه خانه را گم کرده بودم

* *

گردیده بود قنقد همدست با مغیره

او با غلاف شمشیر آن تازیانه می زد

* *

مجلس ختمی برای مادرت زهرا گرفتیم

هر که بود آمد ولی صاحب عزا مهدی نیامد

* *

ای کاش من حسن را همره نبرده بودم

تا در مقابل او سیلی نخورده بودم

* *

تو با سقط جنین اعلام کردی

مطیع ظلم گشتن عار باشد

**

ص: ٦٠

چو درب خانه سوخت پرسیدی کجا بودم

تو می خوردی کتک منم بزیر دست و پا بودم

**

شب که تاریک است و در بر روی مردم بسته است

زائری چون مهدی صاحب زمان دارد بقیع

ص: ۶۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

